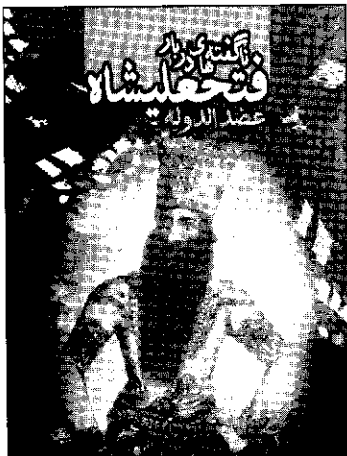


سلطان احمد میرزا عضدالدوله

کتاب تاریخ عضدی*

هوشنگ خسرو بیگی



وی شود. به همین دلیل ناصرالدین شاه، عضدالدوله را به تهران خواست و در ۱۳۰۰ ق. حکمرانی ملایر، تویسرکان و نهاوند به او داده شد. در روز شنبه ۱۵ شوال ۱۳۰۱ به خراسان رفت و از طرف میرزا عبدالوهاب خان اصفالدوله والی خراسان، تولیت آستان قدس رضوی را برعهده گرفت. عضدالدوله در ۱۳۰۳ ق. حاکم همدان شد و تا اواسط سال ۱۳۰۸ ق. در آن سمت بود. سال بعد یعنی در ۱۵ جمادی الاول

۱۳۰۹ ق. مجدداً حکمران همدان شد. او تا یکشنبه دهم ربیع الاول ۱۳۱۰ ق. این منصب را داشت. ظاهراً علت عزل وی نزاع و مخاصمه خونین همدان با یکدیگر بوده است. به نظر می‌رسد پیش از قتل ناصرالدین شاه، مجدداً به حکومت همدان منصوب شده است. عین السلطنه در شرح وقایع ربیع الثانی ۱۳۱۲ ق.، ناخرسندی مردم همدان از عضدالدوله و شورش بر علیه او را یادآور شده است. فریدالملک همدانی نیز ارسال خلعت برای عضدالدوله در صفر ۱۳۱۳ ق. یعنی یک ماه پس از قتل ناصرالدین شاه را شرح می‌دهد. همچنین عبدالحسین خان سپهر در هنگام ارائه فهرست حکام زمان مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳، از عضدالدوله به عنوان حکمران همدان یاد می‌کند. ولی مشخص نیست وی متصدی منصب بوده یا در این زمان به این سمت منصوب شده است. به نظر می‌رسد حکمرانی این دوره عضدالدوله در همدان در ۱۳۱۴ ق. خاتمه یافته است، زیرا در این سال مظفرالدین شاه حکومت همدان را به ابوالحسن خان فخرالملک امیرتومان تفویض کرده است. عضدالدوله در ۱۳۱۶ ق. به منصب شاهزاده‌باشی دربار منصوب شده و مقرر گردید که مشکلات و مسائل شاهزادگان توسط عضدالدوله مورد رسیدگی قرار گیرد و تمام وزرا و روسای ادارات و حکام ولایات، امور راجع به شاهزادگان را به او اطلاع دهند.^{۱۴}

سلطان احمد میرزا معروف به مچول میرزا یا مچول خان پسر چهل و هشتم فتحعلی شاه قاجار و تاج‌الدوله اصفهانی گرجی معروف به طاووس خاتم زن چهل و دوم فتحعلی شاه بود. طاووس خاتم صاحب خط و کمال بود و از شعر نیز بهره‌ای داشت.^{۱۵}

سلطان احمد میرزا در روز جمعه ۱۹ ذی القعدة سال ۱۲۳۹ دیده به جهان گشود. در پنج سالگی در سال ۱۲۴۴ ق. به عضدالدوله ملقب شد. در خردسالی حکومت کاشان، به پیشکاری میرزا علی محمدخان نظام‌الدوله، به وی داده شد. ده ساله بود که پدرش درگذشت. ظاهراً پس از آن و در عهد سلطنت محمدشاه منصب مهمی نداشت. در ۱۲۷۰ ق. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، حکومت اردبیل و مشکین به وی محول شد. در ۱۲۷۵ ق. به تهران بازگشت. در همان سال به جای برادرزاده خود خانلر میرزای احتشام‌الدوله، به حکمرانی بروجرد و بختیاری منصوب شد. یکسال بعد یعنی در ۱۲۷۶ ق. عضدالدوله، حاکم ملایر و تویسرکان گردید و مدتی بعد دوباره حکومت اردبیل و مشکین به او محول شد. در ۱۲۸۱ ق. به جای عبدالصمد میرزا عزالدوله، حکمران قزوین شد. در ۱۲۸۵ ق. حکومت قراجه داغ به او داده شد. در ۱۲۹۰ ق. به تهران فراخوانده شد و جزو وزرای دارالشورا گردید. سال بعد مجدداً حکمران قزوین شد و در ۱۲۹۸ ق. حکمران سبزوار گردید. سال بعد به تبریز فراخوانده شد و چند روز پس از ورود، به ریش سفیدی و پیشکاری دربار ولیعهد مظفرالدین میرزا منصوب گردید. عملکرد ضعیف وی موجب شد که مظفرالدین میرزا از پدر خواستار احضار



تاریخ عضدی
تألیف: سلطان احمد میرزا عضدالدوله
تصحیح: دکتر عبدالحسین نوایی
ناشر: بابک، تهران، ۱۳۷۵، ص

عبدالمجید میرزا عین الدوله و وجیه‌اله میرزا سپهسالار بود. دختر وی شمس الدوله نیز توسط ناصرالدین شاه قاجار به همسری گرفته شد.^{۱۱} عضدالدوله به دلیل انتساب به فتحعلی شاه، در دوره سلطنت ناصرالدین شاه و فرزندانش از شاهزادگان ارشد به حساب می‌آمد و در دربار مورد احترام بود.^{۱۲} وی حمایل و نشان سرتیپ دومی و نیز امیر تومانی و تمثال همایونی را دریافت کرده بود.^{۱۳} اودراواخر عمر، غالب وقت خویش را به مطالعه و تحریر خاطرات خود می‌گذرانید و فردی شوخ طبع و خوش صحبت بود.^{۱۴} عضدالدوله شعر نیز می‌سرود و در شعر به احمد تخلص داشت.^{۱۵} لقب وی را پس از مرگ به نوه اش شمس الملک پسر عین الدوله دادند.

سلطان احمد میرزا عضدالدوله خاطرات و شنیده‌های فراوانی از دربار فتحعلی شاه داشت. از تفریحات حرمسرای ناصرالدین شاه آن بود که وی را برای نقل خاطرات و شنیده‌هایش به اندرون دعوت می‌کردند.^{۱۶} به همین دلیل محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات و مدیر دارالترجمه خاصه و دارالتالیف از وی خواست به تنظیم خاطرات، شنیده‌ها و دیده‌های خود دست یازد.^{۱۷} عضدالدوله ظاهراً نگارش اثر خود را در ۱۳۰۴ق. در زمان حکمرانی در همدان آغاز کرده است.^{۱۸} این کتاب به خط میرزا علی اکبر شیرازی متخلص به دری در شعبان ۱۳۰۶ در چاپخانه احمدی در بمبئی به چاپ رسید. ظاهراً متصدی طبع کتاب، حاجی محمد کریم شیرازی مشهور به نمازی بوده که بر اساس نظر آقا محمد شاه معروف به آقاخان سوم به این کار دست زده است.^{۱۹} چاپ نخستین کتاب به صورت سنگی و قطع رقعی و دارای اغلاط فراوان و چاپ نامناسبی است. حسین کوهی کرمانی در ۱۳۲۸ ش. این کتاب را در ۱۲۸ صفحه و با چاپ سربی تجدید چاپ کرد.^{۲۰} دکتر عبدالحسین نوایی این کتاب را مجدداً در ۱۳۵۵ ش. به همراه مقدمه، توضیحات و فهرس مربوط به چاپ رسانده است.

کتاب تاریخ عضدی

تاریخ عضدی حاصل دیده‌ها و شنیده‌های سلطان احمد میرزا عضدالدوله است که از این نظر حائز اهمیت می‌باشد. او اگرچه هنگام مرگ فتحعلی شاه قاجار بیش از ده سال نداشت اما هرچه را در آن زمان دیده و در نظر داشته یا در مدت عمر خود از بزرگان قوم شنیده بود، نگاشته است.^{۲۱} در برخی موارد به صراحت از اینکه شاهد واقعه‌ای بوده یاد کرده است.^{۲۲} نقل قول‌های عضدالدوله نیز از افراد مورد اعتماد او بوده‌اند و غالباً هرگاه مطلبی را از شخصی نقل می‌کند نام او را نیز می‌آورد. فتحعلی شاه قاجار، میرزا تقی علی آبادی، میرزا ابوالحسن یغمای جندقی، سیف الملوک میرزا پسر ظل السلطان، حاجی محمدقلی خان آصف الدوله، عبدالعلی میرزا پسر سلیمان میرزای شاهرخی و طهماسب میرزای مؤیدالدوله از جمله اشخاصی هستند که عضدالدوله از آنها نقل قول کرده است.^{۲۳} در مواقعی نیز با این عنوان که "شنیده‌ام" به شرح شنیده‌های خود می‌پردازد.^{۲۴} عضدالدوله در کتاب خود پس از مقدمه و شرح سبب تألیف کتاب، مطالب خود را تقریباً در یک مجموعه ارائه می‌دهد. با این که وی فصل بندی مشخصی در ارائه مطالب خود قائل نشده، ولی گاه بدون نظم مشخصی برای برخی مطالب یک عنوان تعیین کرده است. با این حال در شرح خاطرات و شنیده‌های خود تلاش داشته است که ترتیب موضوعی را رعایت کند. عضدالدوله خاطرات خود را با نثری روان و بدون بکار بردن پیرایه‌ها و تصنع‌ات ادبی نوشته است. آشنایی و علاقه وی با شعر و شاعری موجب شده است که در نگارش خود از این دست‌مایه خود بهره گیرد و نیز در بسیاری از موارد از اشعار شعرا استفاده کند. گرچه در برخی مواقع شاعر را نام می‌برد ولی در غالب موارد از نام بردن شاعر خودداری کرده است.^{۲۵} از نکات حائز اهمیت، نگارش برخی از اشعار فتحعلی شاه و زنان او و دیگر شاهزادگان و ضبط این اشعار است.^{۲۶}

اهمیت تاریخ عضدی

عضدالدوله در اثر خود مطالبی را ارائه می‌کند که تقریباً در دیگر آثار این دوره نمی‌توان یافت. ارزش این اثر نیز در شرح همین مطالب است. نگاشته‌های سلطان احمد میرزا عضدالدوله در این اثر از چند جهت حائز اهمیت است.

«عضدالدوله سلطان احمد میرزا»

مؤلف کتاب «تاریخ عضدی»

به دلیل انتساب به فتحعلی شاه،

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و فرزندانش

از شاهزادگان ارشد به حساب می‌آمد و

در دربار مورد احترام بود

فتحعلی شاه قاجار، میرزا تقی علی آبادی،

میرزا ابوالحسن یغمای جندقی،

سیف الملوک میرزا پسر ظل السلطان،

حاجی محمدقلی خان آصف الدوله،

عبدالعلی میرزا پسر سلیمان میرزای شاهرخی و

طهماسب میرزای مؤیدالدوله

از جمله اشخاصی هستند که

عضدالدوله از آنها

نقل قول کرده است

۱- حرمسرای شاه مجموعه‌ای از زنان متعدد شاه، کنیزان، غلامان، خواجه‌سراها، پیشکاران، میاشران و کنیزان زنان بود. اندرونی دربار قاجاریه، در دوره فتحعلی‌شاه از مراکز قدرتمند دربار محسوب می‌شد و گاه برخی زنان و خواجگان دربار از قدرت زیادی برخوردار بودند. منوچهرخان معتمدالدوله ایچ آقاسی باشی از خواجگان معتبر دربار فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود. فریزر که مدتی در ایران می‌زیسته، وی را "وزیر محترم و نورچشمی مخصوص شاه" نوشته است.^{۲۷} فتحعلی شاه او را "میسوا الید و مطلق العنان و صاحب اختیار کل مملکت" کرده بود.^{۲۸} عضدالدوله در وصف قدرت وی می‌نویسد "عقل و دولت و کفایت منوچهرخان معتمدالدوله از عهده تحریر خارج است. شان او به ط—وری بود که اکثر اوقات در کارهای بسیار عمده دولتی طرف مشورت خاقان واقع می‌شد."^{۲۹}

خردسالی عضدالدوله و محرمیت وی با برخی زنان و شاهزاده خانم‌های قاجاری، این زمینه را فراهم ساخته بود که عضدالدوله براحته به حرمسرای فتحعلی شاه وارد شود و بتواند اطلاعات ارزشمندی را از روابط حاکم بر حرمسرا کسب کند و در کتاب خود به یادگار بگذارد. از جمله این که دختران قاجاری که به همسری یکی از اعضای خانواده سلطنت در می‌آمدند در مقایسه با سایر دختران، از امتیازات خاصی برخوردار بودند.^{۳۰} همچنین تا زمان فتحعلی شاه ازدواج شاهزاده خانم‌های قاجاری با غیرقاجاری مرسوم نبود و اولین ازدواج از این نوع به‌رغم مخالفت رؤسای ایل قاجار، با رضایت شاه و با ازدواج شاهزاده عصمه‌الدوله با

ابراهیم خان پسر حاجی حسین خان صدر اصفهانی صورت گرفت^{۳۳} و پس از آن زمینه این گونه ازدواج‌ها فراهم شد.^{۳۴} وابستگی به خاندان سلطنت و استفاده از امتیازات آن، زمینه توسعه این پیوندها را فراهم می‌ساخت.

امان الله خان والی کردستان که یکی از شاهزاده خانم‌های قاجار را برای فرزندش خسرو خان خواستگاری کرده بود در علت این درخواست گفته بود که می‌خواهیم به واسطه یک نوع همبستگی خصوصی به شاهنشاه ایران دست مجاورین و همسایگان به دامن ملک موروث و موقع فرمانگذاری من دراز نشود.^{۳۵} برخی ازدواج‌ها نیز به اصرار فتحعلی شاه صورت می‌گرفت. عضدالدوله می‌نویسد شاه علاقه فراوان داشت که خانواده میرزا اسدالله خان نوری را منتسب به خانواده سلطنت کند، به همین دلیل یکی از دخترانش بنام سیده بیگم خانم ملقب به همد سلطان را به زکی خان نوری داد.^{۳۶} برای بسیاری دیگر نیز که امکان وصلت با خانواده سلطنت از این طریق فراهم نمی‌شد، با ازدواج با یکی از زنان مطلقه فتحعلی شاه به این "التفات" نائل می‌شدند.^{۳۷}

غالب این ازدواج‌ها، براساس مصالح سیاسی صورت می‌گرفت. ازدواج با شاهزادگان قاجار زمینه پیوستگی این افراد را با حکومت فراهم می‌ساخت. از سوی دیگر فتحعلی شاه گاه با همسر گرفتن از خانواده رقیبا یا مخالفان سیاسی خود در تحکیم وابستگی آنها به حکومت می‌کوشید و به این ازدواج‌های سیاسی دامن می‌زد. آغابابی دختر ابراهیم خلیل خان شیشه‌ای همسر فتحعلی شاه از آن جمله بود. همسری که هیچ‌گاه طرف میل فتحعلی شاه واقع نشد.^{۳۸} به نوشته عضدالدوله "از این طبقه زنان نجیبه هیچ کدام به استثناء دختر امامقلی خان افشار اورمی طرف میل شاه واقع نشده بودند." او می‌نویسد این ازدواج‌ها "محض تالیف قلوب ایل و عشیره آنها و اطمینان به مرحمت خاقانی، اظهار لطف و پاس حرمتشان" صورت می‌گرفت.^{۳۹}

گذشته از وقایع مربوط به ازدواج‌ها که مقدمات آن در حرمسرا شکل می‌گرفته ترتیبات داخلی حرمسرا از مواردی است که عضدالدوله به آن اشاره دارد. تقریباً ترتیبات داخلی حرمسرا بر الگوی ترتیبات دربار شکل گرفته بود. ظاهراً ایچ‌آقاسی‌باشی بر کلیه ایچ‌آقاسیان و خواجه‌گان دربار سمت ریاست داشت.^{۴۰} خواجه باشی بر خواجه سرایان سروری می‌کرد.^{۴۱} بنا به نوشته عضدالدوله خواجه سرایان دربار آغامحمدخان قاجار اندک بودند و فردی بنام آغا جعفر ریاست خواجه سرایان را بر عهده داشت.^{۴۲} توسعه و گسترش حرمسرا در دوره پادشاهی فتحعلی شاه، نه تنها موجب افزایش تعداد خواجه سرایان شد، بلکه بر نفوذ و اعتبار این طبقه افزود.^{۴۳} در سال بیست و سوم سلطنت فتحعلی شاه، در حدود یکصد و پنجاه نفر خواجه سرا در حرمسرای او خدمت می‌کردند.^{۴۴} از دیگر خدمه حرمسرا غلام بچه‌ها بودند. عضدالدوله اصطلاح غلام بچه و خانه شاگرد را در کنار یکدیگر و ظاهراً به صورت مترادف ذکر کرده است.^{۴۵} غلام بچه‌گان گروهی از فرزندان بزرگان و شاهزادگان بودند که در دربار و حرمسرا به انجام امور مختلف مشغول بودند و ضمناً برای تصدی مشاغل آینده تربیت شده و چون خردسال بودند به راحتی امکان حضور در حرمسرا را داشتند. عضدالدوله از حاجی محمدقلی خان اصف‌الدوله یاد می‌کند که زمانی غلام بچه بوده است.^{۴۶} عضدالدوله غلام بچه‌گان را در ردیف کنیزان و خواجه سرایان می‌نویسد.^{۴۷} که این امر نشان دهنده آن است که غلام بچه‌ها از کارکنان حرمسرا بوده‌اند.

کنیزان حرمسرا از دیگر گروه‌های شاغل در حرمسرا بودند. وظیفه آنان خدمت به بانوان حرم بود. تعداد زیاد کنیزان زنان، نشانه اعتبار آنها بود. به نوشته عضدالدوله شیرین جهان خانم دختر فتحعلی شاه در هنگام عروسی، بیست جفت کجاوه در پشت سر داشت که در آن کنیزان و خدمه او حضور داشتند.^{۴۸} علاوه بر خدمتکاران مختلف در حرمسرا، بخش‌های مختلفی در حرمسرا فعالیت داشتند که همانند قسمت بیرونی دربار، افرادی متصدی اداره این بخش‌ها بودند. به نوشته عضدالدوله حرمسرا "همه قسم صاحبان مناصب داشت" از جمله صندوقخانه به دو بخش دربار و حرمسرا تقسیم شده بود.

در زمان سلطنت فتحعلی شاه، صندوقخانه اندرونی زیر نظر خیرالنساء خانم

حدود ۳۰۰ اصطلاح اداری

مربوط به دوره قاجار

در کتاب عضدالدوله آورده شده،

که برای شناسایی برخی مناصب و

اصطلاحات اداری اوایل دوره قاجاریه

مفید می‌باشد

همسر شاه قرار داشت. وی تحت امرخان الدوله همسر دیگر شاه و مسؤول خزانه اندرون بود.^{۴۹} صندوقخانه محل نگهداری اجناس ارزشمند و گرانبها از جمله جواهرات، خلعت‌ها و ... بود.^{۵۰} افزون بر آن گروهی از زنان معتبر حرمسرای فتحعلی شاه وزراتی نیز داشتند. عضدالدوله به ما اطلاع می‌دهد، میرزا حسین پسر میرزا اسدالله خان نوری و برادر میرزا آقاخان صدراعظم، وزارت تاج‌الدوله همسر سوگلی فتحعلی شاه را داشته است.^{۵۱} وی همچنین از ملک بیک وزیر آغابابی یا آغابیکم همسر دیگر فتحعلی شاه و دختر ابراهیم خلیل خان شیشه حاکم قراباغ نام می‌برد. او می‌افزاید که ملک بیک از بزرگان قراباغ بود.^{۵۲}

۲- معرفی زنان فتحعلی شاه، خانواده قاجار به ویژه شاهزادگان قاجاری و شناخت وابستگی هریک از آنها به خانواده‌های مختلف ایل قاجار، از موارد قابل توجه در تاریخ عضدی است. عضدالدوله ضمن ارائه اطلاعاتی درخصوص زنان مختلف فتحعلی شاه و خانواده آنها، به معرفی شاهزادگان و شاهزاده خانم‌های قاجاری می‌پردازد. این اطلاعات با توجه به این که غالب این شاهزادگان حکمرانی مناطق مختلف کشور را عهده‌دار بودند می‌تواند، در بررسی تاریخ سیاسی، اداری و اجتماعی این دوران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین غالب شاهزاده خانم‌های قاجاری به ازدواج دیگر شاهزادگان و سیاستمداران و یا فرزندان آنان درآمد

بودند. این اطلاعات در شناخت خانواده‌های مختلف دولتمردان

این دوران قابل استفاده است.^{۵۳} عضدالدوله همسران

فتحعلی شاه را در دو "طبقه" تقسیم بندی می‌کند. طبقه

اول زنانی از خانواده سلطنت و یا سایر شعب قاجاریه

و بزرگ‌زادگان معتبر ایران بودند که فتحعلی شاه

آنها را به همسری اختیار کرده بود. فتحعلی شاه

با این طبقه با احترام کامل رفتار می‌کرد

و حتی درحضور آنها با سایر طبقات ایداً

التفات نمی‌شد و امتیازات خاصی

داشتند.^{۵۴} این زنان بیشتر به

دلیل مسایل سیاسی

و حفظ روابط ایلی و پیوند

با خانواده‌های معتبر

به همسری گرفته

می‌شدند.^{۵۵} این طبقه

خود به دو گروه زنان

قاجاری و زنان بزرگ

زادگان تقسیم

می‌گردیدند. زنان

خانواده قاجاری از نظر

وابستگی به قوانین و یا

معرفی زنان فتحعلی شاه، خانواده قاجار به ویژه شاهزادگان قاجاری و شناخت وابستگی هریک از آنها به خانواده‌های مختلف ایل قاجار، از موارد قابل توجه در تاریخ عضدی است

دولو در درجه اعتبار متفاوت بودند و همواره منازعات میان این دو گروه در حرمسرا زیاد بود.^{۴۴} فرزندان این زنان نیز بر همین اساس از اعتبار متفاوت برخوردار بودند.^{۴۵} ولی به نوشته عضدالدوله در سر سفره فتحعلی شاه به استثناء عباس میرزا، ترتیب نشستن براساس سن شاهزادگان بود نه رعایت نجابت و اصالت مادر. و با این حال در سر سفره پادشاه، شاهزادگانی چون عباس میرزا، محمدعلی میرزا، فرمانفرما، ملک آرا بنا بر احترام مادرهاشان در کنار دیگر شاهزادگان نمی‌نشستند.^{۴۶} ظاهراً طبقه دیگر زنان درجه دوم بوده‌اند که عضدالدوله به دلیل آن که مادرش جزو این طبقه بود به صراحت اشاره به رتبه فروتر آنان نکرده است. وی پس از شرح و معرفی زنان طبقه اول، بلافاصله مطالب را به توصیف جایگاه و منزلت مادرش طلوعوس خانم ملقب به تاج‌لوله می‌کشاند.^{۴۷}

۳- رفتار، روحیات و خلق و خوی پادشاهان قاجار و برخی از سیاستمداران از نکاتی است که توسط عضدالدوله توصیف شده است. وی گذشته از شرح خورد و خواب، مرادوه با همسران و شاهزادگان، خدمه دربار و حرمسرا، تفریحات، حضور در جشن‌ها و عزاداری‌ها، عکس‌العمل‌ها در برخورد با وقایع ملال آور یا فرحبخش، و دیگر رفتارهای شاه، به نکاتی در رفتار پادشاهان قاجار اشاره می‌کند که تفکرات پادشاهان قاجار را که زمینه تصمیم‌گیری‌های سیاسی آنها را فراهم می‌ساخته آشکار می‌سازد.^{۴۸} در علت قتل حاجی ابراهیم خان کلاتر از زبان فتحعلی شاه می‌نویسد: «حاجی ابراهیم خان صدراعظم، خوب وزیری بود. اما برای سلطنت آقا محمدشاه مثل او صدراعظمی برای سلطنت من فرع زیاده براصل بود. این سرا تنگ بود. و مرد بزرگ». نحوه رفتار آغامحمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه با ایل قاجار، نجابتی دربار، علما و عرفا از مواردی است که عضدالدوله در خصوص آن موارد به تفصیل سخن نوشته است.^{۴۹} وی همچنین از روحیات و کردار برخی سیاستمداران این دوره یاد کرده است. گذشته از

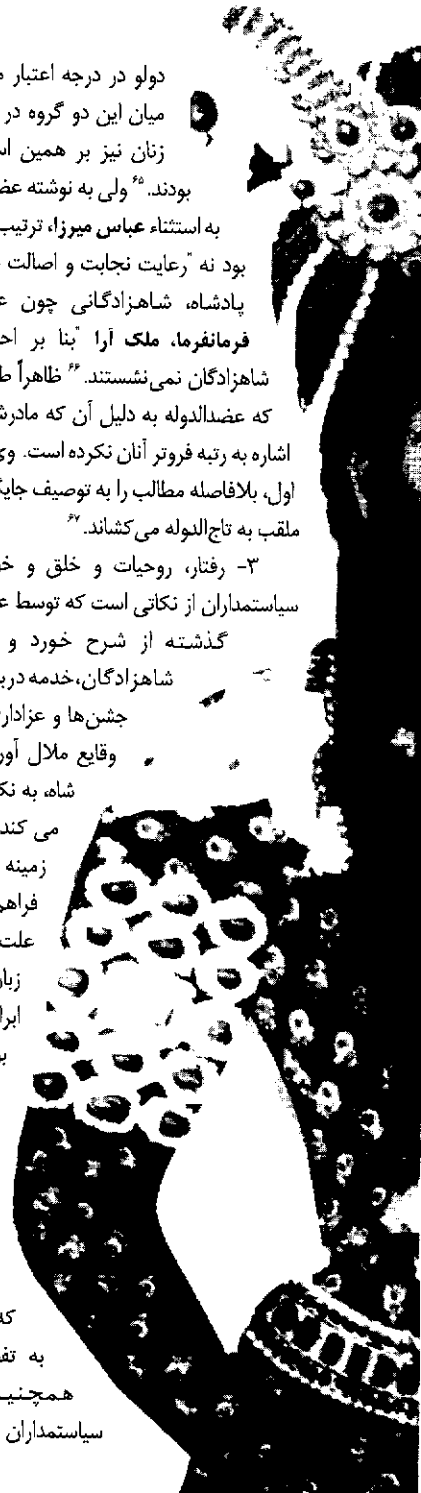
توصیف جایگاه خواجه‌های معتبر حرمسرا، از روحیات و رفتار حاجی ابراهیم خان کلاتر، حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی، عبدالله خان امین الدوله، حسینعلی خان معیرالممالک، میرزا ابوالقاسم قائم مقام، میرزا شفیع مازندرانی مطلب نوشته است.^{۵۰}

۴- کتاب تاریخ عضدی حاوی مطالبی ارزشمند در معرفی و شرح برخی مناصب و اصطلاحات اداری اوایل دوره قاجاریه است. در حدود ۳۰۰ اصطلاح اداری در کتاب عضدالدوله آورده شده، که برای شناسایی این اصطلاحات بسیار حایز اهمیت است. ایچ آقاسی‌باشی، ایشیک آقاسی، غلام، غلام بچه، غلام پیشخدمت، فراش خلوت، فراش غضب، لشکر نویس، لشکر نویس باشی، مخاطب سلام، مستوفی، مستوفی الممالک و مشرف از جمله مناصبی است که در کتاب تاریخ عضدی نام برده شده است. همچنین اصطلاحاتی مانند آتش قجری، جمعه سلام، خزانه دولت، خزانه نقدی، سر قجری، سلطان حقی و ... توسط عضدالدوله توصیف شده است.^{۵۱} شرح تشریفات، برنامه‌ها و مراسم در دربار و حرمسرا نیز از دیگر ویژگی‌هایی است که در کتاب تاریخ عضدی دیده می‌شود. نحوه برگزاری مراسم سلام، جمعه سلام، مراسم تحویل سال نو، مراسم استهلال (دیدن ماه نو)، مراسم خلعت پوشان، برنامه ناهار یا شام خوردن شاه، برنامه شاهنامه خوانی، عهد و پیمان بستن و قرآن مهر کردن و ... از جمله تزیینات و برنامه‌هایی است که عضدالدوله به توصیف آنها پرداخته است.^{۵۲}

۵- شرح روحیات شاه و دربار در مواجهه با حوادث و رویدادهای سیاسی از جمله مطالبی است که عضدالدوله به آنها اشاره دارد. در حقیقت مطالب عضدالدوله به گونه‌ای است که بسیاری از وقایع پنهانی در دربار و دولت را که معمولاً مورخین نگارش نکرده یا از آنها اطلاعی نداشته‌اند، ارائه می‌دهد. وی در شرح وقایع جنگ‌های ایران و روس از پیرشانی وضع و خیالات اولیای حضرت و غمگینی خاطر همایونی یاد می‌کند.^{۵۳} این پیرشانی خاطر مدتی بعد برای فتحعلی شاه مجدداً حادث شد. پس از شکست ایران در جنگ دوم با روسیه، مرگ عباس میرزا رویداد غم‌انگیز دیگری برای فتحعلی شاه بود. عضدالدوله نحوه اطلاع خبر مرگ ولیعهد به پادشاه را به تفصیل می‌نگارد.^{۵۴} وی اوضاع سیاسی کشور و رویدادهای داخلی دربار پس از واقعه مرگ عباس میرزا را به روشنی توضیح می‌دهد.^{۵۵} همچنین مخالفت‌های شاهزادگان با ولیعهدی محمد میرزا پس از مرگ فتحعلی شاه را شرح می‌دهد. برخی از این شاهزادگان پس از تاج‌گذاری محمدشاه از دیده ناپینا شدند و برخی به حبس گرفتار گردیده و یا تبعید شدند.^{۵۶} اقدامات آغامحمدخان قاجار در قتل برادران و بیان اندیشه‌های آغامحمدخان در این مورد از دیگر موارد قابل توجهی است که عضدالدوله به توضیح آن پرداخته است.^{۵۷}

۶- در کتاب تاریخ عضدی اطلاعات مفیدی در خصوص وضعیت اجتماعی جامعه همچون آداب و رسوم، پوشاک و ... می‌توان به دست آورد. عضدالدوله لباس رسمی اهل قلم در دوره فتحعلی شاه را عبارت از شال و کلاه و دولاغ و چوخابارانی می‌نویسد. ظاهراً در زمان ناصرالدین شاه این نوع پوشاک تغییر کرده است زیرا وی در هنگام نگارش از کلمات «آن عصر» استفاده می‌کند.^{۵۸} همچنین وی غالباً در شرح خاطرات خود به البسه افراد و لوازم همراه آنها نیز اشاره دارد.^{۵۹} استفاده از پشتی، منخده، متکاها، تشک، کشته سوز و مجمر در اطاق‌ها، کجاوه کشی پشت سر عروس، شاپاش کردن بر سر عروس و داماد، دختر دزدیدن به جای عروس بردن در آداب ایلی، شیرینی‌ها و نوع پذیرایی در مراسم عروسی، معرفی اغذیه مورد استفاده در این دوران و آداب غذا خوردن، معماری داخلی اطاق‌ها، معرفی برخی اصناف بازار و مشاغل و مراسم عزاداری از آداب و رسومی است که عضدالدوله از آنها یاد کرده است.^{۶۰}

۷- عضدالدوله در خاطرات خود بسیاری از شخصیت‌های ادبی، علمی، اجتماعی و مذهبی اوایل دوره قاجار را معرفی کند که کتاب وی از این نظر نیز حائز اهمیت است. شاه خلیل الله پیشوای اسماعیلیه در یزد و آقاخان پسر او، میرزا محمد اخباری، میرزا محمد ندیم، میرزا علی رضای مجتهد یزد، میرزا ابوالقاسم قمی، ملاعلی نوری، فخرالدوله حاجی محمدحسین خان قاجار مروزی،



معمدالدوله میرزا عبدالوهاب اصفهانی متخلص به نشاط، محمدصادق خان دنبلی، محمدخان دنبلی، فاضل خان گروس، ملک الشعرا فتحعلی خان متخلص به صبا، حاجی علی محمد متخلص به قرقی، میرزا صادق وقایع نگار، میرزا جعفر حکیم الهی، آخوندملاعلی محمدکاشانی و آخوند ملاعباس عرب از جمله این شخصیت‌ها هستند.^{۸۲}

یادداشتها:

* لازم به یادآوری است که در شماره ۳۹ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا دو مقاله دیگر در معرفی کتاب تاریخ عضدی به چاپ رسیده است.

۱- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، چ چهارم، ۱۳۷۷، ص ۳۱۷.

۲- عضدالدوله، سلطان احمد میرزا: توضیحات و اضافات به کوشش عبدالحسین نوایی، بابک، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۷.

۳- همان، ص ۲۲۲

۴- شرف، (نشریه) شماره ۲۲، ذیقعد ۱۳۰۱ ق، ص ۱.

۵- محبوبی اردکانی، حسین: تعلیقات برالمآثر و الآثار در احوال رجال دوره و دربار ناصری، ج ۲، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۹۶.

۶- شرف شماره ۲۲، ص ۱

۷- وقایع اتفاقیه، (نشریه)، ارنوی همایون، شماره ۴۴، ۱۳، ذیحجه ۱۲۷۵ ق، ص ۱.

۸- شرف، شماره ۲۲، ص ۱

۹- غفاری، محمدعلی: خاطرات و اسناد غفاری، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۱، ص ۸۸.

۱۰- محبوبی اردکانی، ج ۲، ص ۵۹۶

۱۱- عین السلطنه، قهرمان میرزا: روزنامه خاطرات، ج ۱، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹.

۱۲- اعتمادالسلطنه، ۸۷۲

۱۳- عین السلطنه، ج ۱، ص ۴۹۲

۱۴- همان، ص ۶۳۴

۱۵- فریدالملک همدانی، خاطرات فرید، مصحح مسعود فرید، زوار، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۳۵.

۱۶- سپهر، عبدالحسین خان: مرآه‌الوقایع مظفری، به کوشش عبدالحسین نوایی، زرین، تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۴.

۱۷- شیباتی، صدیق الممالک: منتخب التواریخ، علمی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۲۸.

۱۸- همان، ص ۲۴۰، سپهر، ص ۲۸۵

۱۹- عضدالدوله، ص ۲۲۲

۲۰- معیرالممالک، یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ج دوم، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۵۴.

۲۱- شرف، شماره ۲۲، ص ۱

۲۲- معیرالممالک، رجال عصر ناصری، نشریه یغما، شماره ۷، ۱۳۳۴ ش، ص ۳۲۶.

۲۳- حبیب آبادی، محمدعلی: مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ ق، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، اصفهان، ۱۳۵۱، ص ۹۵۷.

۲۴- معیرالممالک، رجال عصر ناصری، ص ۳۲۶

۲۵- عضدالدوله، ص ۱۰

۲۶- همان، ص ۳۱

۲۷- همان، مقدمه، ص ۵

۲۸- مشار، خانیابا، مولفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۰، ص ۴۲۴.

۲۹- عضدالدوله، ص ۱۰

۳۰- همان، صص ۸۵، ۷۸

۳۱- همان، صص ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۱۱۶، ۱۲۶.

۳۲- همان، صص ۱۰۸ و ...

۳۳- همان، صص ۱۸، ۶۴، ۶۱، ۷۲ و ...

۳۴- همان، ۱۵، ۳۳، ۲۷، ۲۶، ۲۱، ۱۸ و ...

۳۵- فریزر، جیمز بیلی، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، مترجم، منوچهر امیری، توس، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۲۰.

۳۶- شمس التواریخ، میکروفیلیم، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۴۲۸، ص ۴۹۴.

۳۷- عضدالدوله، ص ۴۶

۳۸- همان، ص ۴۹

۳۹- همان، ص ۵۸

۴۰- همان، ص ۶۷

۴۱- همان، ص ۶۷

۴۲- همان، ص ۷۲

۴۳- همان، ص ۶۷

۴۴- همان، ص ۱۴

۴۵- همان، ص ۱۵

۴۶- همان، ص ۱

۴۷- تائینی، ص ۱۰۵

۴۸- دروویل، صص ۱۵۰، ۱۶۹

۴۹- عضدالدوله، صص ۱۳، ۵۵

۵۰- همان، ۴۲ و نیز مالکم، ج ۲، ص ۲۲۳ و فریزر، ص ۱۲۱

۵۱- میرزا محمد منشی، ص ۶۶

۵۲- عضدالدوله، ص ۸۲

۵۳- همان، ص ۷۵

۵۴- همان، ص ۴۶

۵۵- همان، ص ۶۸

۵۶- همان، ص ۲۸

۵۷- همان، ص ۲۴

۵۸- همان، صص ۲۲، ۱۰۶، ۱۰۷

۵۹- همان، ص ۱۸

۶۰- همان، ص ۱۴

۶۱- همان، صص ۵۷-۱۲

۶۲- همان، ص ۱۲

۶۳- همان، صص ۲۵، ۲۶

۶۴- همان، ص ۱۳

۶۵- همان، ص ۹۵

۶۶- همان، ص ۴۷

۶۷- همان، ص ۱۸

۶۸- همان، صص ۱۶، ۱۲۵، ۴۷ و ...

۶۹- همان، ص ۹۷

۷۰- همان، ۱۳۴-۱۳۵، ۱۵۴

۷۱- همان، صص ۹۶، ۱۱۲، ۱۳۵ و ...

۷۲- همان، صص ۵۷، ۹۰، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۶۰، ۱۶۴ و ...

۷۳- همان، صص، ۱۰۲، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۱۴۰، ۴۷، ۱۵۲، ۱۶۴ و ...

۷۴- همان، ص ۱۵

۷۵- همان، صص ۱۵۴-۱۴۶

۷۶- همان، ص ۱۵۳

۷۷- همان، ص ۱۵۹

۷۸- همان، ص ۱۴۰

۷۹- همان، ص ۶۲

۸۰- همان، صص ۸، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۶۲

۸۱- همان، صص ۳۹، ۴۴، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۸۱، ۹۷، ۸۴، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۴

۱۴۴، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۲ و ...

۸۲- همان، صص ۱۳۰-۱۲۸

